



احمد شاه (وحدت)
Ahmad Shah (Wahdat)
A. K. P. O.



هفته نامه خبری حزب وحدت اسلامی افغانستان

UNIVERSITY TOWN, PESHAWAR P. O. BOX: 1073

۲ روپیه پاکستانی
۲۰۰ افغانی

۴ صفحه

گزارش روزنامه نیوز مینی بر:

اتحاد با فراکسیون اکبری، مطلقاً دروغ است

• مذاکرات سیاسی با دولت کابل، به هیچوجه به معنی یکجا شدن با خائنین ملی نیست.
• خصومت تشیع درباری در برابر جامعه هزاره امر تصادفی و آتی نبوده، ریشه آن در تاریخ مناسبات غیر عادلانه سیاسی و اجتماعی قرار دارد.

روزنامه نیوز مؤرخ ۱۵ جنوری، خبری را مبنی بر اتحاد حزب وحدت اسلامی افغانستان با فراکسیون اکبری پخش نموده است. منابع آگاه سیاسی و ملت ما میدانند که جدا شدن شاخه تشیع درباری از کنار حزب وحدت اسلامی بعد از خیانتی صورت گرفته که باعث شهادت هزاران انسان در جامعه ما گردید. خصومت تشیع درباری در برابر جامعه هزاره امر تصادفی و آتی نبوده، بلکه ریشه آن در تاریخ مناسبات غیر عادلانه سیاسی و اجتماعی قرار دارد. در شماره قبلی «صفحه نو» محترم استاد محمد کریم خلیلی با صراحت بیان داشته اند که مذاکرات سیاسی با «دولت کابل» به هیچوجه به معنی یکجا شدن با خائنین ملی نیست. پخش همچون گزارش دروغ را ما با تأسف بیش از حد تکذیب می نمایم.

مردم کابل هر گام را باید به قیمت خون خویش بردارند

• زنده گی در کابل معادل به مرگ است.
* مردم کابل صاحب نظر واحد می شوند که جنگ قدرت، بیگانه با خواست و سرنوشت ملت است. (ص ۳)

خائنین صرف از طریق عمال مخفی خویش در درون جامعه ما حضور دارند.

باشنده گان غرب کابل، به تعقیب نقض توافق جلوگیری از جنگ در هزاره جات، پیامی را عنوان مقام محترم رهبری حزب فرستاده اند که در آن چنین آمده است: «زمانی که مذاکرات جریان داشت، بودن کسانی که تا دیروز بامهر سکوت بر لبان، همنوایی خویش را بامردم بیان میداشتند. (ص ۳)

محترم دکتر جنرال محمد پرویس حساس د معززین د قومی شراد نظامی برخی رئیس د صفحه نو، خبریال سره په یوه مرکه کی:

قیادت په تا کلو کی دی ملت ته حق ورگړی شی په

تشیو اعلانونو او بیانونو دی ملت مه دو که کوی

اوس اوس چی د ریانی د ملی پخلاینی د اعلامی د پاره کوم تبلیغات کبیری، په همغه اندازه د اعلامی په محتویاتو کی څه داسی عناصر نشته دی چه په سملاسی توگه د قدرت د انتقال په معنی وی. (ص ۲)

خبر نگار «صفحه نو» از بامیان:

فرجام خائنین مرگ است

جسای که اینسان به حق مردم و تباریخ ما کسره اتسد، نواغوش ندنی نیست.

* اگر يك فرد هم زنده بمانیم، انتقام خون مردم خویش را از خائنین می گیریم!

* خائین و فسدستان ضعیف النفس آن با سیاست های دروغین، قابل قبول نخواهند شد.

خبر نگار «صفحه نو»، از بامیان گزارش میدهد که در رابطه به تخلف خائنین از توافق اخیر قطع جنگ در هزاره جات، ارسال پیام های مردم و رزمندگان گان جبهات مقاومت مردمی عنوانی رهبریت سیاسی ادامه دارد که تمام این پیام ها مطلب واحد بر خلاف خائنین تشیع درباری است. در این پیام ها به تکرار آمده است که «اگر يك فرد هم زنده بمانیم، انتقام خون مردم خویش را از خائنین می گیریم!» همچنان، پیام ها حاوی این مطلب نیز است که خائنین و همدستان ضعیف النفس (ص ۳)

• ما صرف مالک يك شهر ویران و فقیر هستیم.
* هستن ما فقیرانه بود، اما با خون ما سرخ نبود.

تجلیل از:

جشن میلاد دوازدهمین اختر تابناک امامت و منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر (عج)

• بامیان باستان در اوج فریاد های نادیدنی فرزندانش، بر تنه ترین لمحات تاریخ خویش را به تماشا نشست.
• هزاران تن از مردم مناطق مختلف در مراسم شرکت نمودند.
* کارت های ترفیع جنرالان، افسران و تقدیرنامه های افراد شایسته نظامی و اداری توزیع گردید.
* رژه نظامی نیروهای جبهه مقاومت مردمی صورت گرفت.

دوشنبه مصادف بود با ۱۵ شعبان، سالروز میلاد پر میمنت حضرت ولی عصر امام زمان (عج). اهالی خطه مرد خیز بامیان باستانی با تعطیل امورات یومیه، با قلب های سرشار از امید و عشق به پیشواز میلاد نور به شهری شتافتند که دیوار های گلین فقیرانه آنرا پرچم های سبز و پلاکارت های انقلابی آذین بسته بود. شهر، در مقدم هزاران عاشق پاک باخته ولی عصر که در

جلسه شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی

اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی تحت ریاست استاد محمد کریم خلیلی دبیرکل حزب روز چهارشنبه ۲۰/۱۰/۷۴ تشکیل جلسه دادند؛ بر اساس گزارش خبرنگار «صفحه نو» از بامیان، جلسه با تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید آغاز یافته و سپس استاد خلیلی آخرین انکشافات اوضاع سیاسی جاری کشور را بصورت مفصل به استحضار اعضای شورا رسانیده و گزارش مفصل مذاکرات خویش را با هیئت رژیم کابل به جلسه ارائه نمودند (ص ۴)

بنام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

حلال معضلات اجتماعی:

دید واقعینانه

آغاز مرحله جدید مذاکرات صلح توسط آقای محمود مستیری، اینبار در پهلوی خوشبینی های قبلی برای فتح بحران، نگرانی را نیز با خود دارد که ناشی از نتایج قبلی سفر ایشان مبنی بر اعلان لست بیست و هشت نفری، بدون نظر داشت توازن سیاسی و اجتماعی نیروهای درگیر، است.

توقع حلقهات سیاسی و خوشبینی تأمین صلح و قطع جنگ در کشور از طریق هیأت میانجی سازمان ملل متحد، از این جهت است که شخصیت حقوقی این سازمان از اعتبار بین المللی برخوردار بوده و تصامیم سیاسی بی که از طریق این سازمان عمل می آیند، بدون شناخت پیشینه سیاسی، اجتماعی و حتی تاریخی کشور ها نخواهد بود. بناءً طرح سیاسی این سازمان برای ختم بحران های خونین اجتماعی کشور ها، هیچگاهی نباید از عقب خوش باوری های سیاسی و یا مطابق به واقعیت های سطحی و زود گذر نظامی و سیاسی، به عمل آید.

اعلان و انتخاب اعضای لست ۲۸ نفری از طریق آقای مستیری، اگر از يك جهت باعث بروز مخالفت های سیای گردید، از طرف دیگر این دلهره را نیز به وجود آورده است که مبادا بار دیگر تصامیمی اتخاذ گردد که در آن هیچگونه ملاحظه بی مبنی بر احترام به حضور اجتماعی نماینده گان سیاسی جناح ها به عمل نیاید. آقای محمود مستیری برای اینکه بتواند در

معادلات سیاسی و نظامی کنونی، فاکت های دقیق سیاسی را برای حل بحران فعلی ارائه دارند، ناممکن است که بدون در نظر داشت دقیق ترکیب اجتماعی و مذهبی ملت افغانستان این کار را به عمل آرند دو نوع بر خورد برای حل قضایای فعلی در افغانستان وجود دارد: یکی بخش بندی ملت افغانستان از لحاظ مذهبی و دیگر بخش بندی این ملت از لحاظ اقوام و اقشار آن. بر همه گان ثابت است که موضعگیری سیاسی و اجتماعی کنونی، به خصوص در جوار حاکمیت شورای نظار، کاملاً بر اساس مسایل قومی و زبانی صورت گرفته است و مجتمع تشیع درباری در جوار این حاکمیت، جزء موضعگیری سیاسی برای منافع قومی و نژادی آنها چیز دیگری نیست. روی این اصل و واقعیت انکار ناپذیر سیاسی و اجتماعی، توقع برده میشود که آقای محمود مستیری، اینبار با برخورد واقعینانه در برابر مشکلات اجتماعی و با نظر داشت ترکیب مذهبی و اجتماعی ملت افغانستان، مبادرت به طرح های نمایند که حلال واقعی معضله کنونی کشور ما محسوب گردند. (صفحه نو)

برای فاشیستان:

صلح نیز جنگ است

* فردی که جنایت کرده است، قتل عام کرده است و آگاهانه شعار «هزاره کشی» «ازیک کشی» و «پشتون کشی» داده است، چگونه می تواند به صلحی تن دهد که اولین پیامش شکست انحصار سیاسی و فارغ شدن پایتخت ملت از حضور نظامی سکتاریزم فاشیستی است؟

کابل برای مسعود حیثیت همان تخت، را دارد که در بایش قبر، تخت نشین نیز تعبیه شده است.

قبل از آنکه طرح های سیاسی برای حل معضله خونبار کنونی مطرح شوند، لازم است که شناخت دقیق از مسایلی به عمل آید که به وجود آورنده وضعیت کنونی در کشور است. حاکمیت فاشیستی کابل، از ابتدا تا اکنون، نه تنها عامل فاجعه مرگبار اجتماعی برای قام اقشار ملت بوده است، بلکه برای ادامه انحصار، از هر گونه طرح سیاسی و پیشنهاد برای صلح، غرض تقویت پایه های نظامی حاکمیت انحصاری استفاده کرده است. در پهلوی این تاکتیک حاکمیت فاشیستی، این امر نیز نباید نادیده گرفته شود که گرایش انحصار گران به جانب صلح، صرفاً زمانی به جانب راه حل های سیاسی بوده است که از لحاظ نظامی خطر شکست را احساس کرده اند.

قبل از سقوط غرب کابل و قبل از استیلای کامل بر کابل که فاشیستان در تنگنای قابل ملاحظه ای نظامی قرار گرفته بودند، گرایش سیاسی گردانندگان فاشیزم به سرحدی بود که طرح اشتراک همه جوانب را در مذاکرات صلح پیشنهاد کردند؛ ولی به مجرد پیروزی تصادفی نظامی که ناشی از اشتباه و خیانت «طالبان» در برابر جبهه غرب کابل بود، ادا و اطوار «استحکام حاکمیت دولتی» در همه جا بلند شد و طرح سیاسی برای حکومت غیر انحصاری به فراموشی سپرده شد. بعد از این تفوق نظامی، استحکام خطوط مدافعه شهر کابل، مهم ترین اصل برای سیاست ها و ستراتیژی نظامی فاشیستان قرار گرفت و دیگر نه تنها مذاکرات صلح فراموش گردید، بلکه حمله نظامی بر هزاره جات به مثابه، وصل نمودن راه انتقالی کابل به هرات محسوب میگردد. فعالیت ها و تماس های سیاسی برای بازگشایی سفارتخانه های خارجی در سطح ابلغیه های متعدد «دولت اسلامی» به راه انداخته شد. عملیات نظامی، فرستادن نیروهای نظامی به هرات و عقب زدن نیروهای نظامی «طالبان» الی هلمند، آتقدر غرور برای فاشیستان و هوا خواهان آن ایجاد کرده بود که خواب امپراطوری نوین فاشیستی را به مثابه، واقعیت غیر قابل انکار حیات سیاسی خویش با اقشار ملت افغانستان در نظر داشتند.

ماهیت مطلقاً نظامی و تاکتیک جنگ از طریق مذاکرات صلح، صرفاً کمپاین جنگ روانی فاشیستان کابل را با ملت افغانستان تشکیل میدهد؛ ورنه فاشیزم انحصاری در هر اقدام نظامی خویش به اثبات رسانیده است که کمپاین مذاکرات سیاسی و طرح های صلح، صرفاً کمین برای حملات نظامی بوده است و بعد از پیروزی به اثبات رسانیده که کمپاین سیاسی و صلح، صرفاً خندیدن به ریش ملت و سوء استفاده از آرمان ملت برای تأمین صلح و به دست آوردن حق تعیین سرنوشت و حفظ حیثیت ملی و بین المللی اقشار ملت است.

موجودیت غیر قانونی و انحصار بیشرمانه و برهنه فاشیزم کابل، بر هیچکسی کتمان نیست. هیچکسی نمیتواند انکار کند که فاشیستان حاکم بر کابل، نه تنها دشمنی خاینانه با اقشار ملت محروم نموده، بلکه بزرگترین جفا و خیانت سیاسی و اجتماعی را در برابر سرنوشت جامعه خویش نیز مرتکب شده اند. یگانه عاملی که موجودیت این مرکزیت فاجعه آفرین را در پایتخت ملت توجیه میکند، همانا تحریک احساسات اجتماعی بر اساس محکومیت سیاسی

جامعه و به انزوا کشیدن جامعه با ایجاد رقابت های آشتی نا پذیر اجتماعی با دیگر اقشار ملت میباشد. بدون این دو انگیزه، هیچ عاملی نمی تواند که حتی برای یک ثانیه موجودیت فاجعه بارترین حاکمیت انحصاری يك مشت نظامی بیسواد و بیگانه با روحیه انسانی و ملی را در قلب کشور تحمل کند.

ماهیت تبلیغات جنگی فاشیزم کابل را در برابر احزاب مخالف، صرفاً تبلیغ در برابر ملت ها تشکیل میدهد. اگر جنگ با جنبش ملی اسلامی است جنگ با ازیک ها تبلیغ می شود و حملات تبلیغاتی از طریق اقواء سازی ها بر علیه کرامت و حیثیت انسانی يك ملت سازماندهی می شود؛ اگر جنگ با «حزب وحدت اسلامی» است چنان با صراحت «جنگ با هزاره و از هزاره ها انتقام بگیرد» را تبلیغ میکنند که حتی خود احمدشاه مسعود، در فلمی که از حمله سه روزه ماه حوت خویش بر غرب کابل تهیه کرده است، لفظ «هزاره و هزاره ها» را صریحانه به جای «وحدت» میگذازد و در مخابراتش صدا می زند که: «خط هزاره ها...، سنگر هزاره ها...» و وقتی جنگ در برابر «طالبان» است، جنگ در برابر «پشتونها» و «پشتونیزم» و «حاکمیت دوباره پشتونها» تبلیغ می شود. این همه جفا در برابر ملت های باهم برادر کشور، صرفاً برای این است که فاشیزم سکتاریستی از محدوده يك ولسوالی خارج شود و در چوکات يك ملت مطرح شود. خیانت به حیثیت اجتماعی و سیاسی ملت برادر تاجک، بزرگترین خیانتی محسوب میگردد که معادل خیانت با سرنوشت سیاسی و اجتماعی سایر ملت های ساکن در افغانستان است.

وقتی حاکمیت اینقدر خاینانه و نفاق افگانه در جامعه عمل کرده باشد، نا ممکن است که بتواند ماهیت آشتی ناپذیری خویش را کتمان نماید. با شناخت و درک کامل از جنایات غیر انسانی، غیر اجتماعی و خیانت به شرف و حیثیت ملی و اجتماعی اقشار ملت ناممکن است که احمدشاه مسعود بتواند به آینده صلح آمیز در درون ملت افغانستان ایمان داشته باشد؛ چون نا گفته پیداست که انحصار سیاسی و ریزش خون هزاران انسان بی گناه و تخریب پایتخت ملت افغانستان، بازی مرگ و زنده گی برای مسعود است. اگر دیگران بدانند یا ندانند، مسعود کاملاً واقف است که کابل به گورستان فاشیزم سکتاریستی وی نیز تبدیل شده است. کابل برای مسعود حیثیت همان «تخت» را دارد که در بایش «قبر» تخت

نشین نیز تعبیه شده است. سرنوشت مرگ و زنده گی حاکمیت سکتاریستی در کابل، اساسی ترین عاملیست که اولویت جنگ را برای حیات حامیان آن بیان میدارد. مذاکرات صلح و فعالیت های سیاسی برای انتقال قدرت، صرفاً برای مساعد ساختن زمینه دوام انحصار به درد میخورد. وقتی کسی نمی پرسد که چرا باید حاکمیت سیاسی يك ملت انحصار شود، انتقال قدرت، صرفاً گذشتاندن زمان برای اهداف موهوم است. انحصار گران به خوبی واقف اند که چه می کنند و برای چه می جنگند؛ برای آنهایی که هدف شان روشن است و آینده خویش را نیز به خوبی درک می کنند، مذاکرات صلح، صرفاً مرحله تنفس برای آرایش قواست. انحصار حاکمیت و جنگ برای تثبیت اجتماعی و ملی این انحصار، یگانه هدفی است که سرنوشت اجتماعی و ملی انحصار گران نیز بدان گره خورده است. به ساده گی می توان گفت که برای انحصار گران شعار مرگ یا انحصار، یگانه آرمان برای زنده گی و یگانه وسیله برای زنده ماندن است.

تلاش های محمود مستیری برای صلح و شکست انحصار، بدین مفهوم است که احمدشاه مسعود، زنده گی خویش را بدون تردید، با صلح به اختیارش بگذارد. فردی که جنایت کرده است، قتل عام کرده است و آگاهانه شعار «هزاره کشی» «ازیک کشی» و «پشتون کشی» داده است، چگونه می تواند به صلحی تن دهد که اولین پیامش شکست انحصار سیاسی و فارغ شدن پایتخت ملت از حضور نظامی سکتاریزم فاشیستی است؟

توافقات احمدشاه مسعود با صلح، صرفاً گذشتاندن زمان برای کاستن فشار نظامی است. همین اکنون در پالیسی نظامی این سکتاریزم، سیاست نظامی جدید به گونه بی طرح ریزی شده است که جنبش ملی اسلامی و حزب وحدت اسلامی را در حال مذاکره صلح آغشته بایم جنگ نگهدارد و در عوض تدارک سنگین ترین حمله را بالای جبهات «طالبان» در جنوب، جنوب غرب و جنوب شرق کابل آغاز نماید. اعلان موافقت با فلان لست اشخاص و فلان طرح صلح برای انتقال قدرت، صرفاً جنگ روانی در برابر ملت و احزاب مخالف است. این توافقات و اعلامیه ها صرفاً برای آن است که توجه نظامی مخالفین را از جبهه آرایش قوت های نظامی سلب نماید؛ چو دشمنی که آماده است از طریق صلح از

صحنه بیرون شود چه حاجت که اقدام جنگ با آن شود! آقای مستیری باید به این مسأله نیز واقف باشد که فاشیزم کابل، قویاً از هويت خارجی هیات های صلح برای معتبر جلوه دادن حاکمیت غیر قانونی و جنایتبار خویش استفاده به عمل می آورد. در عقب هیات های صلحی که منابع خارجی، بخصوص ملل متحد وجود داشته باشد، اعتبار مذاکرات صلح را بیشتر در افکار عامه مطرح میکند. توافق با همچون هیات های صلح، صرفاً پرستیژی سیاسی این حاکمیت ضد مردمی و ضد ملی را بلند می برد. بر همه گان روشن است که احمدشاه مسعود به هیچ صورتی نمیتواند هیات های صلحی را که صاحب شخصیت بین المللی از لحاظ حقوقی اند، رد نماید؛ ولی موافقت با این هیات ها، نباید آتقدر خوشباورانه قبول گردد که حتی تاریخ

تحویل قدرت نیز اعلان شود! با این خوشبوری و با عدم شناخت ماهیت آشتی ناپذیری هر دستگاه فاشیستی، با اطمینان میتوان گفت که بهترین زمینه را برای فاشیزم کابل با سز استفاده از شخصیت بین المللی اقدامات صلح محمود مستیری مساعد میسازد؛ آقای مستیری نباید با تلاش های صلح خویش، بهترین روپوش سیاسی برای اقدامات نظامی فاشیستان کابل گردد. تجربه غرب کابل به اثبات میرساند که تصمیم خلع سلاح شدن غرب کابل که آقای مستیری نقش اساسی در آن داشت، بزرگترین روپوش معتبر بین المللی برای قتل عام جامعه هزاره و تجاوزه به ناموس و شرف اجتماعی آنها در غرب کابل گردیدند. اگر این اقدامات، بازم بدون درک از ماهیت فاشیزم احمدشاه مسعود به عمل می آید، با صراحت میتوان گفت که آقای محمود مستیری یکبار دیگر، شخصیت حقوقی خویش را از لحاظ شخصیت بین المللی ملل متحد، به اختیار حاکمیت انحصاری کابل قرار داده و یکبار دیگر، به روپوش سیاسی برای قتل عام اجتماعی مردمان دیگری قرار خواهد گرفت که جز تراژدی اجتماعی دیگر چیزی برای ملت افغانستان نخواهد بود.

اقدامات سیاسی آقای مستیری این تجربه سیاسی را برای ملت افغانستان به جا گذاشته است که فاشیزم کابل، هر بار خیلی ها به ساده گی از شخصیت بین المللی ایشان سز استفاده می نماید؛ ولی تراژدی اینجا است که این سز استفاده با ریزش خون اقشار ملت افغانستان صورت گرفته است. نکته قابل تعجب این است که چرا آقای مستیری نمی خواهد که واقعیت غیر قابل انکار را برای جهانیان فاش سازد؟ اگر شناخت درست از ماهیت فاشیستان کابل ندارند، باید تجارب جنگ و صلح آنها حد اقل این باور را برایشان ایجاد کرده باشد که گرایش صلح برای انحصار گران صرفاً بعد از فشار نظامی مطرح می شود. اگر این واقعیت را درک کرده اند، چرا شخصیت بین المللی اقدامات خویش را به گونه بی قربانی می نمایند که مستقیماً به نفع مرکزیتی تمام می شود که سه سال است با خون محرومترین انسانهای يك ملت، برای تقدیس انحصار مرکزیت سیاسی آن، غسل خون می نماید؟

میرهن است که دادن شخصیت و اعتبار سیاسی به حاکمیت صرفاً نظامی و

وقتی کسی نمی پرسد که چرا باید حاکمیت سیاسی يك ملت انحصار شود، انتقال قدرت، صرفاً گذشتاندن زمان برای اهداف موهوم است. انحصار گران به خوبی واقف اند که چه می کنند و برای چه می جنگند؛ برای آنهایی که هدف شان روشن است و آینده خویش را نیز به خوبی درک می کنند، مذاکرات صلح، صرفاً مرحله تنفس برای آرایش قواست.

ولسوالی سالاری، شخصیت يك مشت مسلح عقده یی و بیسواد را در سطح يك «دولت اسلامی» بلند میبرد. آیا همین امر یگانه علت برای بقای این دزدان مسلح و سفاک، تحت پوشش «دولت اسلامی» نبوده است؟ اگر بوده است، چرا این شخصیت را از این مرکزیت آدمکش نباید پس گرفت؟ با اطمینان می توان مطرح کرد که فاقد شدن حاکمیت سکتاریستی کابل از لحاظ شخصیت سیاسی به بهترین وجه سخت ترین وضعیت را برای حضور سلاح به دستان احمدشاه مسعود در کابل ایجاد میکند که جز فرار مرگبار چیز دیگری را برایشان گوشزد نمی کند. حاکمیتی که «از جنگ یافته است» و جز جنگ هیچگونه امکان برای بقای خویش ندارد، مذاکرات صلح را در سطح بین المللی چون «باران رحمت» برایش تلقی نموده و حاضر است که سالها این مذاکرات ادامه داشته باشد و امروز توافق خویش را با آن اعلان کند و فردا آن را به گونه ای تفسیر نماید که جز نقض آن (ص ۳)

نیابت به تالکو

دغه ټکی محترم ډگر جنرال محمد بونس حساس د معززینو د قومی شورا د نظامی برخی رئیس «صفحه نو» اختصاصی خبریال سره په یوه مرکه کی څرگند کړ او وی ویل که چیری د استاد ربانی اوسنی د جوړ جاری اعلان په صداقت او خلوص بنا و وی یو انسانی کار دی، او که د پخوا په شان د قدرت دپاره د نماینده میکاتیزم د جوړولو په مضمون باندی د اقتدار د اوږدولو دپاره وی نو بیا خود تشو تبلیغاتو نه پرته بل عنصر نلری.

محترم ډگر جنرال حساس چی څو موده مخکی د کابل په قول اردو کی په یو حساس پست کی کار کاوه وانی چی مسعود تبعیضی او فاشیستی چلند دی ته مجبوره کړ چی د جمعیت او وظیفی دواړو نه ځان بی غمه کړی.

ده زیاته کړه: ربانی د یونیم کال را په دی خوا د قدرت د انتقال خبری کوی خو چی د عمل وخت راشی نو بیا د مخالفینو سره په تمام عیار جنگ پیل وکړی.

ده وویل: د کابل د حکومت ټول صلاحیتونه دا وخت د مسعود سره دی او هغه به هیڅکله هم دی ته حاضر نشی چی د یو پراخ بنسټه ملی اسلامی حکومت د جوړولو د پاره خپله واکمنی او صلاحیتونه د لاسه ورکړی.

ده د یو سوال په ځواب کی وویل: زما نظر دا دی مخکی د ډگنه چی قدرت یوی نماینده شورا ته انتقال کړی شی، باید د ملی اردو د جوړولو غم وځوپل شی او د کابل نه د شوری نظار ځانگړی قوتونه ووژی.

ده وویل که چیری صرف قدرت انتقال شی او دکابل امنیت د پخوا په شان د مسعود په لاس کی وی د روغی جوړی او نماینده حکومت د جوړیدو هیڅ امکانات نشته دی.

محترم ډگر جنرال حساس وویل: اوس ملت بیدار شوی دی او دیو یا څو تنظیمونو د تسلط لاندی حکومت نه منی، ځکه نو د کابل حکومت باندی سیاسی فشار روغ په روغ زیاتیزی او واکمنی ئی د نړیدو او زوال په حال کی ده.

ده د معززینو او قومی شورا د سوله ایزو منشور په حقله د یوی پوښتنی په ځواب کی وویل: د معززینو قومی شورا چی د ټولو قومونو او ملیتونو نماینده گی ورته حاصله ده په ملی پایو د یو داسی حکومت د جوړولو د پاره مبارزه کوی چی حق پکی حقدار ته ورسیزی او هر افغان د خپل لیاقت او قابلیت په رنا کی د سولی په تأمین او د هیواد د بیا ودانولو په کار کی خپل نقش ولوبوی.

ده د کابل حکومت د سولی اعلان د عملی کولو د پاره په جنگ کی په اخته ډلو غږ وکړ چی ژر ژره د ملت نه د یو نماینده میکاتیزم په جوړولو سره د استاد ربانی څخه د قدرت د انتقال د پاره چټک گامونه واخلی او دکابل د امنیت دپاره هم د ټولو ملیتونو څخه د یو ډلو پوځ د جوړولو بند وستی هم وکړی.

ده وویل: د جنگونو د ختمولو د پاره باید ټول مشران او کشران قربانی ورکولو ته حاضر شی او په تشو شعارونو سره مظلوم او جنگ ځپلی ملت نور د جنگ په اوړ کی ونه سیزل شی.

ده زیاته کړه: ټول واکمن او جنگیالی ځواکونه دی ملت ته ددی اختیار ورکړی چی عملاً د سرنوشت په تالکو کی برخه واخلی او یوازی په اعلانونو او بیانونو سره د ملت سره دوکه ونکړی.

د کابل د امنیت د پخوا په شان د مسعود په لاس کی وی د روغی جوړی او نماینده حکومت د جوړیدو هیڅ امکانات نشته دی.

محترم کبیر جوادی، کارمند ریاست اداری وزارت تحصیلات عالی وضعیت اقتصادی کابل را برای خبرنگار «صفحه نو» چنین توصیف نمودند: «شما خود شاهد حال مردم هستید. هیچ چیزی برای افتخار این شهر و زنده گی کردن در آن مانده است. کابل را ویران و فقیر می سازند تا هر چه بیشتر ذلیلش کنند. مردم در اواخر رژیم نجیب الله خود را از لحاظ فقر به سینه کش میداد. خوش بودیم که حاکمیت نو، زمینه تنفس زنده گی کردن را بعد از چهارده سال برای ما مساعد میسازد. بعد از حاکمیت اسلامی احساس میکردیم که صاحب شهر خود شده ایم و هم صاحب ایمان و سرنوشت ملی خود؛ ولی با تأسف که شاهد حوادثی شدیم که برای کشتن مردم، شادیدانه فایر کردند. هستی ما فقیرانه بود، اما با خون ما سرخ نبود؛ این کار را در سه سال اخیر به سرساندند! اکنون ما صرف مالک يك شهر ویران و فقیر هستیم. نا امیدي مردم زمانی بیش از حد شد که جنگ قدرت به شکل جدید و خطرناکتر در آمد و کشتار مردم بیگناه بازم از عقب خصومت های ملیتی شروع شد. نتیجه جنگ و کشتار چه بوده میتواند؟ گرسنه گی و خونریزی دو پیام طالبان قدرت و سیاست برای پایتخت اند.»

تشیع درباری، از خنات مذهبی تا رده کی سیاسی

(۲۳ منبیله ۱۳۷۳: آغاز یک تاریخ) (قسمت پانزدهم)

البته نکته دیگری را که باید بگویم، این است که ما برای جلوگیری از بی نظمی ها و همچنین بررسی حوادث و اتفاقاتی که در شهر پیش می آمد، گارنیزون مشترکی را با حرکت اسلامی ساخته بودیم که در آن من از جانب حزب وحدت و فقیری از جانب حرکت اسلامی مسؤلیت داشتیم. ما در گارنیزون نشستیم و بین خود بحث کردیم که سنگر هایی که در داخل شهر روز به روز افزایش می یابد و در هر کوچه سنگر ساخته می شود، هم مردم را دچار وحشت کرده و هم بین دو حزب بی اعتمادی به وجود آورده است. ما طرح دادیم که این سنگر ها را باید از بین ببریم. برای این کار نماینده های شورای مرکزی حرکت و وحدت را هم در جریان گذاشتیم و با آنها مفصل صحبت کردیم و گفتیم که این سنگر ها برای مردم نگرانی ایجاد کرده و همه روزه در گارنیزون شکایت می کنند که وحدت و حرکت در بین خود جنگ می کنند و اگر چنین نیست، سنگر بندی ها برای چیست؟ بعداً که بررسی کردیم، معلوم شد که اولین سنگر را برادران حرکت ساخته بودند. صوفی انور در سر پل سرخ سنگر خود را کانتیکتی ساخته بود و این را خود مسؤولین حرکت هم اعتراف میکردند. بعد از سنگر سازی صوفی انور، آهسته آهسته در تمام نقاط غرب کابل سنگر بندی شد. در اینجا ما نشستیم و فیصله کردیم که تمام سنگر های داخل شهر خراب شوند که برای این کار از طرف حزب وحدت، کریلایی حر و از طرف حرکت اسلامی صوفی صفر وظیفه گرفتند که سنگر ها را خراب کنند. انوری آمد و صوفی صفر را به شدت منع کرد و حتی او را بایدترین شکل توهین نمود که در نتیجه برادران حرکت از خراب کردن سنگر ها سر باز زدند و این سنگر ها در جای خود باقی ماندند. ما در این رابطه با داکتر صادق هم صحبت های زیادی کردیم. وی در تمام موارد با ما همکاری و دلسوزی داشت. حتی اکثر عملکرد های خائنانه و معامله گرانه بی را که آقای جاوید و انوری بر علیه حزب وحدت انجام میدادند، برای ما حکایت می کرد. در هر جلسه بی که میکردیم وی می گفت که مثلاً امروز جواد فلان قوماندان را با موتر خود به شهر برد، یا آقای جاوید فلان نفر دیگر را برد. امروز جاوید، آقای اکبری را با موتر خود به شهر منتقل کرد.

(ادامه دارد)

بناسبت خجسته میلاد مسعود ولی عصر (عج):

مسابقه بزرگشی در ولایت باستانی بامیان برگزار شد

بناسبت میلاد مسعود حضرت ولی عصر (عج) مسابقه جالب بزرگشی روز دوشنبه ۱۳۷۴/۱۰/۱۸ به ابتکار دگر جنرال ابوطالب «ذکی» والی ولایت بامیان در یکی از میدان های ورزشی آن ولایت راه انداخته شد. خبرنگار «صفحه نو» طی گزارش مخابره وی خویش از این ولایت می افزاید: در این مسابقه باستانی جالب که بین دو تیم اشتراک کننده به سرپرستی هریک محترم باقی خان و محترم محمدحسین خان صورت گرفت، ابتدا استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت

به مناسبت نیمه شعبان

نمایشگاه عکس غروب خورشید، گشایش یانت

به گزارش خبرنگار «صفحه نو» از ولایت باستانی بامیان، یکشنبه ۱۷/۱۰/۷۴ نمایشگاه عکس «غروب خورشید» به پیشواز از میلاد پر میمنت حضرت ولی عصر (عج) از طرف ستاد تبلیغی رهبر شهید در مسجد «تول واره» ولایت بامیان گشایش یافت. نمایشگاه که حاوی صد ها قطعه فوتو از «رهبر شهید»، و سایر شهدای حماسه آفرین و تاریخ ساز مردم ماست. نمایشگاه با قطع نوار توسط دبیر کل حزب وحدت اسلامی محترم استاد خلیلی افتتاح گردید. خبرنگار ما علاوه مینماید: این نمایشگاه که یاد آور خاطره های تابناکی از قهرمانان جاردان ملت ما بوده مدت سه روز ادامه یافته و با استقبال کم نظیر مردم قهرمان پرور بامیان روبرو گردید.

اولین سالون نمایش فلم بنام «شهید عبدالحق» افتتاح گردید

به مناسبت روز میلاد حضرت امام زمان (عج) روز دوشنبه ۱۸/۱۰/۷۴، سالون نمایش فلم از طرف کمیته فرهنگی حزب وحدت اسلامی به نام قهرمان ملی «شهید عبدالحق»، در ولایت باستانی بامیان افتتاح گردید. به گزارش خبرنگار «صفحه نو» از بامیان، سالون متذکره با قطع نواری توسط دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان محترم استاد خلیلی، در میان شور و هلهله صد ها تن از مردم غیور و شهید پرور بامیان، فرماندندان جهادی و اعضای محترم کمیته ها، رسماً گشایش یافت. قابل تذکر است که سالون نمایش فلم «شهید عبدالحق» همه روزه بروی علاقمندان باز بوده و با نمایش فلم های مستند مردم را در جریان حقایق مقاومت سه ساله غرب کابل و حوادث جاری در کشور قرار میدهند.

از سناچک کی؟

گرفته شده از جریده د قام غز

دی وچت ورته راپاڅید او ورته وویل: هی صدقه شوم، بده که خیلی ام می فاره. یعنی هی قربان دی شم را بی کره چی دیر بته را باندی لگیژی. استاد ربانی هم بنیایی د هغه ناروغ له کورنی څخه وی، چی له لوری مړه کیدو ته یلی غاړه ایسې وه، خو د خپلی بڼی خوله یی نه خلاصوله، خو چی ورته ویی ویل: «از سناچک خودم»، وچت ورته را پاڅید چی: «هی صدقه شوم بده که خیلی ام می فاره»

د استاد غریب هم روغی جوړی ته زړه کیژی خو چی روغه جوړه د ده په خوښه وی، د ده د نمایندگانو په کی پوره اکثریت وی، داسی اکثریت چی تر روغی جوړی له مخه لا د ده بیا انتخاب له شکه وتلی وی. استاد هم د روغی جوړی لپاره د گذشت غوښتونکی دی، د داسی گذشت چی نور د ده په حق کی له خپلو درستو حقوقو تیر شی، یعنی د دولت ریاست ده ته او د دفاع وزارت مسعود ته د تل لپاره په شرعی قباله ورکړی. دی هم غواړی چی په دولت کی نور هم ورگیژی، حاضر دی چی وزارتونه نورو ته هم ورکړی خو که چیرته بیا تر وزیر د شورای نظار د کوم قیبت رتبه غږی صلاحیت دیرو گزاره به کوی ځکه چی دوطن چاری په گزاره اوگرتش چلیژی. استاد تر اوسه هیڅ طرحه ونه منله د هری طرحی په ځواب کی به یی ویل: «بان که بیرم هیچم نمی فاره»، خو یی محترم مستیری د ده په خوښه د اته ویشتر کسانو فهرست تیار کوی وچت ورته را پاڅید او ویی ویل: «هی صدقه شوم بده که خیلی ام می فاره»

وایی په هغو وختو کی چی لا د هیواد کنی لری سیمو ته د موترونو لارونه وه تللی، دوه تنه ملگری له شمال څخه په خواری او مزدوری پسی د سفر چاروغی په پښو کړی، د تلخانو بڼی یی غاړی ته واچولی او مخ په تخار او کندز را وخوځیدل. په لار کی یی اتفاقاً یو ملگری ناروغ شو، له دوی سره د دم او دوا بله هیڅ چاره نه وه صرف د خوراک څښاک پرېشته به یی ورباندی کوله. ناروغ تخمیناً یو شواروز څه نه وو خوړلی، ملگری ورته وویل: تلخانت می فاره؟

ناروغ وپوښت: از سناچک کی؟ یعنی د چا له بڼی؟ هغه ورته وویل: از سناچک خودت. یعنی له خپلی بڼی. ناروغ بیرته سر کیښود او ویی ویل: بان بیرم، هیچم نمی فاره. یعنی پرېزه چی می شم، هیڅ می خواته نه کیژی. چی شیه تیره شوه، سبا ته بیا هغه وپوښت: تلخانت می فاره؟ ده ورته وویل: از سناچک کی؟ هغه وویل: از سناچک خودت. د ناروغ بیا هغه ځواب وو چی «بان بیرم، هیچم نمی فاره.» په دی توگه دوه دری شیی ناروغ ووی نهر پروت وو، له بوی خوا ناروغی، له بلی خوا لوړی دیر کمزوری کړی وو، هغه ملگری بیا ورته وویل: تلخانت می فاره؟ ده بیا وپوښت: از سناچک کی؟ هغه دا لخل ورته وویل: از سناچک خودم، یعنی زما له گوړی.

مردم کابل هرگام را...

خبر نگار «صفحه نو» از کابل گزارش می دهد که «زنده گی در کابل به جبری تبدیل شده است که تحمل آن دشوار است. مردم نهایت فقیر شده اند و روز مرگی های فرسایشی، زنده گی را فاقد از آرمان ساخته است. مردم می گویند: «زنده گی در کابل خون آدم است» این تعبیر مردمی اساسی ترین شناخت را از وضعیت کنونی حاکم بر کابل به دست می دهد. فقر و مرگ دو پدیده ایست که در هر لحظه محسوس اند. راکت ها هر روز صفر مرگ قدرت طلبان را به کابل میسانند. مردم کابل هر گام را باید به قیمت خون خویش بردارند. هیچ جای شک نیست که سیاست ها به جهت دشمنی های جدید حرکت دارند. این امر را هر باشند شهر احساس می کند. در حالی که زنده گی در کابل معادل به مرگ است، چیه بندی های جدید سیاسی پیام تشدید خصومت های اجتماعی را میسانند. مردم کابل صاحب نظر واحد می شوند که جنگ قدرت، بیگانگی با خراست و سرنوشت ملت است. خیلی ها ساده است که برایتان مینوسم: مواد غذایی قیمت است و مواد سوخت باگرانی و نایابی خویش، کوچکترین پناه در سرمای کنونی شده نمیتواند؛ چون با نوشتن فیشورد که احساس، تفکر و حالت آن اطفالی را بیان داشت که گونه ها و نوک بینی شان از سردی میان اتاق سرخ شده اند و شاید برای ابد نتوانیم خیانت به این اطفال را توجیه کنیم؛ چون طفل هنوز در دنیایی گام نگذاشته است که سیاه درونی ها و کینه توزی های نژادی و مذهبی عاملین فاجعه را درک کنند؛ چون اطفال هنوز در دنیای صداقت انسانی خویش قرار دارند و جهانی پر از نیرنگ و فریب عظمت طلبان، برایشان قابل درک نیست. هیچ آیتی نمیتواند خیانت به جامعه یی را برانند دهد که انسانش محکوم به مرگ است؛ چون در تفکرات دشمنان این جامعه، آلوده گی های منفور زمان و تاریخ، به ایمان تبدیل شده است. مردم کابل، همین جامعه ایست که با خون و ارزشهای انسانی و اجتماعی آن تجارت سیاسی و قدرت به عمل می آید. این مردم خط فاصل میان دو قدرتی قرار گرفته است که هر دو جناح برای فشار سیاسی و تبلیغاتی، پشتبانه خون این مردم را وسیله، پیروزی خویش قرار میدهند. کابل هم فقیر شده و هم بی پناه و هم به سپر تدافعی جلدان حاکم تبدیل شده است.

کابل/۲۳ جدی ۱۳۷۴

حمایت قاطع خویش را...

ولی خداوند(ج) را سپاسگذاریم که با امضاء شدن توافق نامه جلوگیری از جنگ در هزاره جات هم روی خابنین سیاه شد و هم روی آن عده خود فروخته هاییکه با رقص و پای کوبی برای امضاء توافق نامه، چاقوی شان دسته یافت و بیشتر از خابنین پیک شادی، صداقت را برای ورود دویاره خابنین در جامعه سردارند. این عناصر به زودی ثابت ساختند که خابنین صرف از طریق عمال مخفی خویش در درون جامعه ما حضور دارند.»

در بخش دیگر این پیام ضمن اعلان حمایت قاطع از مواضع رهبری سیاسی جامعه، چنین آمده است: «مقام محبوب رهبری ما باید مثل همیشه در برابر خابنین قاطعانه عمل نماید. رهزیت سیاسی ما نگذارد که وابسته گان مخفی خابنین در درون حزب موضع دوجانبه داشته باشند. اگر این عمال در حساس ترین مرحله تاریخ به نفع جامعه نیندیشند، در فردا چه به درد خواهند خورد؟»

فرجام خابنین می گس...

آن با هرگونه رابطه های مخفی خویش، نمیتواند که خود را از محکومیت آینده نجات دهند. در یکی از پیام ها آمده است که «جفای که ایان به حق مردم و تاریخ ما کرده اند، فراموش ناشدنیست. ولی با تأسف که این جانیان با همکاری یک عده اشخاص فاقد شعور سیاسی و بیگانه با درد های اجتماعی، هنوز هم پیش کاران مخفی خویش را در درون جامعه ما در اختیار دارند و این عناصر درونی، با استفاده از شعار ها و حسن نیت مردم، بزرگترین خیانت را به تاریخ و سرنوشت مردم خویش به نفع تقویت ریشخ های سیاسی و اجتماعی تشیع درباری به عمل می آورند.»

برای فاشیستان صلح...

مفهوم دیگری نداشته باشد. با شناخت از ماهیت فاشیسم کابل و با درک از بی پایه بودن آن از لحاظ ریشه مردمی، با صراحت می توان گفت که مذاکرات صلح و ارسال هیأت های معتبر بین المللی برای مذاکرات سیاسی با این مرکزیت غیر قانونی، جز مساعد ساختن زمینه بقای این حاکمیت، دست آورد دیگری ندارد. سقوط حاکمیت فاشیستی کابل از لحاظ نظامی، هیچگونه مشکلی برای اقشار ملت افغانستان نیست، ولی دادن شخصیت سیاسی برای این مرکزیت غیر قانونی و ضد مردمی، یگانه دست آوردی بوده است که هیأت های صلح، آن را چون تحفه گران قیمت برای این فاشیسم تقدیم نموده اند.

مطرح شدن حاکمیت نظامی چند هزار سلاح به دست بیسواد در پایتخت، تحت نام «دولت اسلامی» و بعداً مذاکرات صلح با این مرکزیت در سطح هیأت های بین المللی، همان گنج خدا داده ای است که فاشیست فقیری چون احمدشاه مسعود، آن را در خواب هم پیدا کرده نمیتواند. موافقت فاشیسم کابل با هر طرح صلح، صرفاً برای لجن مال کردن این طرح ها می باشد. توافق با لست اشخاص برای تحویل قدرت، جز سنگین بودن وزنه به نفع این حاکمیت چیز دیگری بوده نمی تواند. در لستی که سید فاضل و محسنی به حساب نماینده گان «شیعه ها» مطرح شده باشند، بزرگترین خلاء را در اقدامات آقای مستیری بازگویی کند که تاکنون ملیت های افغانستان را از لحاظ ترکیب مذهبی، دقیقاً مورد بررسی قرار نداده اند؛ چون هنوز معلوم نیست که اشخاص این لست، نماینده گی از مذاهب ملت افغانستان می نمایند یا نماینده گی از اقوام و ملیت های افغانستان؟ وقتی سیدفاضل و محسنی شیعه باشند ولی هزاره نباشند، چگونه ممکن است که حزب وحدت اسلامی افغانستان، برای خالی بودن آن لست از نماینده های جامعه خویش مخالفت نکند؟ اگر آقای مستیری از ترکیب مذهبی ملت ما واقف نیستند، آقایان ربانی - مسعود به خوبی واقف اند که سید فاضل و محسنی چرا با آنها ائتلاف کرده و چرا در جنگ با جامعه هزاره، قویاً دستیار و همکار آنهاند! به همین علت است که این آقایان با لست موافقت می کنند، چون به خوبی می دانند که دیگران حتماً با آن مخالفت می کنند و وقتی دیگران با این لست مخالفت میکنند پس چرا فاشیسم با قبولی آن بهره برداری سیاسی خویش را به عمل نیآورد؟

این سخن را می توان به مثابه کلید درک تمام توافقات فاشیسم کابل مد نظر داشت که این دستگاه صرفاً با طرح های موافقت می نماید که مطمئن باشد دیگران آن را به خاطر غیر عادلانه بودن آن نفی می کنند؛ چون فاشیسم کابل در ترکیب «شورای عالی دولت اسلامی» کسانی را به دور هم جمع کرده است که هر فرد و گروه آن، حیاتش وابسته به انحصار و حق تلفی و خیانت اجتماعی است. شیعه های درباری چون محسنی و اکبری و سیدفاضل که برده گان گوش به فرمان اجانب اند، زالوران پر خون اجتمع هزاره اند که به جز از تطبیق سیاست ها و خصومت حاکمیت های انحصاری هیچگونه نقض در حیات اجتماعی خویش برای افغانستان نداشته و نخواهند داشت. این موجودات، به این لحاظ خیانت می کنند که در بیرون از کشور، زمینه حیات بهتری را صاحب اند.

در آخرین کلام به وضاحت باید مطرح کرد که فاشیسم کابل باجنگ رشد کرده است، به جنگ زنده بوده است و با جنگ نابود خواهد گردید. مذاکرات صلح صرفاً زمانی میتواند وضعیت اسفبار سیاسی ملت افغانستان راخفه دهد که در اولین فرصت شخصیت سیاسی فاشیستان را در قالب دولت اسلامی از آنها بگیرد، در غیر آن، هیأت های صلح در معتبرترین شخصیت بین المللی خویش جز وسیله سیاسی معتبر برای جنگ و قتل عام اجتماعی اقشار ملت افغانستان نخواهند بود.

کابل/۲۳ جدی ۱۳۷۴

در ادامه تلاشهای سیاسی:

هیأت سیاسی رژیم کابل وارد بامیان شد

ورود مسئولین موسسات خیریه، جاپان در ولایت بامیان

* موسسات خیریه، جاپان آماده گی کامل برای کمک به مردم بی بضاعت و جنگ زده افغانستان دارند.
* وعده، تأمین امنیت و مساعد نمودن زمین، کار برای این موسسات به عمل آمد.

به گزارش خبر نگار «صفحه نو» از بامیان، در مقر شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان یک گروه پنج نفره از نمایندگان موسسات خیریه، جاپان اخیراً با محترم استاد خلیلی، دبیر کل حزب، دیدار بعمل آوردند. خبر نگار ما می افزاید که طی این دیدار و ملاقات نمایندگان گان موسسات خیریه، کشور جاپان آماده گی کامل موسسات مربوطه شانرا در امر کمک و مساعدت به مردم بی بضاعت و جنگ زده افغانستان اعلام نمودند. متعاقباً دبیرکل حزب وحدت اسلامی، محترم استاد خلیلی ضمن تقدیر و تشکر از همکاری های بشر دوستانه، موسسات خیریه، جاپانی، آماده گی کامل را جهت تأمین امنیت هیئت و اجرای هر نوع همکاری با ایشان در ساحات تحت کنترل حزب وحدت اسلامی، اظهار نمودند.

ایم که از عزت و آبروی مردم خویش دفاع نمائیم. محترم استاد خلیلی در رابطه به خواسته های سیاسی حزب ابراز داشتند که ما جز حقوق، اساسات عادلانه، اجتماعی در کشور و وقار ملت افغانستان چیز دیگری را نمی خواهیم. هدف نهایی ما این است که جوامع برادر با سربلندی زنده گی نموده و صاحب روابط انسانی باشند.

و صلح خواهانه حزب وحدت اسلامی تأکید گردیده و راه حل قضایای کشور صرفاً منوط به روش های صلح آمیز خوانده شد. محترم استاد خلیلی در بخش از سخنان خویش ابراز داشتند که جنگ راه حل معقول معضلات کشور نبوده و پیامد آن از نظر حزب وحدت اسلامی، جز تباهی و برپادی مملکت نیست. همه گان شاهد بوده اند که از روز اول تا کنون جنگ بر ما تحمیل شده و ما مجبور بوده

محترم استاد محمد کریم خلیلی، دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان، روز شنبه مورخ ۱۶/۱۰/۷۴، داکتر عبدالرحمن معاون شورای نظار و رئیس هیأت نماینده گی رژیم کابل را در اقامتگاه شان، به حضور پذیرفتند. در این ملاقات، تازه ترین انکشافات سیاسی و نظامی مورد بحث قرار گرفت. در جریان این مذاکرات که تعدادی از اعضای شورای محترم مرکزی در آن اشتراک داشتند، یکبار دیگر بر مواضع برحق سیاسی

حلیم «نوابی» کارمند وزارت صحت عامه:

تبعیض طلبان نه به خدا ایمان دارند و نه به جامعه

سیاست های ترور با خون مردم بی گناه، ناشی از عقاید ضد خدا و مخلوقش است. یاتند شدن شعار های مذهبی، جنگ اجتماعی نیز تندتر شد.

محترم حلیم «نوابی» کارمند وزارت صحت عامه، در مصاحبه با خبرنگار «صفحه نو» وضعیت سیاسی و اجتماعی جنگ های اجتماعی کنونی را خطرناک توصیف نموده، گفت: «بایه وجود آمدن تنظیم «طلبان» این امید به وجود آمده بود که جنگ های قومی و خصومت های اجتماعی و مذهبی فروکش مینمایند. ولی اکنون مشاهده می کنیم که تندتر شدن شعار های مذهبی، جنگ اجتماعی نیز با تند تر شده میروند و کشتار مردم عادی و یا باشنده گان فلان منطقه و مردم، بیانگر نیت انسانی و اجتماعی و صداقت سیاسی اجتماعی، عاملین کشتار در برابر مردمان غیر از خود شان است.»

محترم حلیم در رابطه به علت اعتقادی خصومت های اجتماعی چنین ابراز عقیده کرد: «توسل به سیاست های ترور با خون مردم بی گناه، ناشی از عقاید ضد خداوند (ج) و ضد مخلوقش است. بی ایمانی به خدا و مخلوقش، باعث شیفته گی به قدرت های دروغین دهری میشود؛ ولی التجای ما از عاملین کشتار مردم این است که نباید شیفته گی انحصار قدرت را به قیمت مرگ مردم بیگناه دیگر جوامع حفظ نمایند.»

صداقت علی «آیین» در مصاحبه خویش با خبرنگار «صفحه نو» کابل:

صلح، همزیستی و احترام متقابل، راه برون رفت از معضله ننگین انحصار قدرت است

* بعد از به بن بست رسیدن جنگ، مرحله تلاشهای سیاسی آغاز می شود.

* شایسته گی زیست با همی را مطابق به اساسات عدالت و برابری پیدا نکرده ایم.

شرایط سنگین و کمر شکن اقتصادی و جنگی بر ما تحمیل است؛ ولی این همه فشار های کشنده، نمیتواند که جلو روشن بینی ما را از قضایا بگیرد. تا دیروز «شورای نظار» همه را نفی میکرد و دست آورد جنگ این گروه را به خوبی در پای هر ویرانه شهر می بینیم؛ و امروز «طلبان» همه را نادیده می گیرند و تأکید غیر قابل باور برای تسلیم دهی قدرت سیاسی و نظامی برای خویش دارند. این حالت به خوبی وضعیتی را بیان میدارد که هنوز هم ما قادر به تحمل یکدیگر نشده ایم و اگر قهرتان نیاید، میگویم که ما شایسته گی زیست با همی را مطابق به اساسات عدالت و برابری پیدا نکرده ایم؛ و خدا نکند که این شایسته گی را به قیمت مرگ میلیون ها انسان بی گناه به دست آریم! *

محترم صداقت علی «آیین»، طی مصاحبه با خبرنگار «صفحه نو» تحولات و دیپلماسی های جدید سیاسی را تأسف آور خوانده گفت: «با آنکه میدانیم که راه صلح و همزیستی و احترام متقابل به جوامع مختلف کشور، یگانه راه برون رفت از معضله ننگین انحصار قدرت سیاسی است؛ ولی پالیسی های کنونی و طرح های جدید سیاسی کنونی، هیچکدام نمیتواند که قابلیت یا ظرفیت عملی داشته باشند. علت اساسی از نظر بنده، اتکاء مطلق به جبهات نظامی است. همه ناظریم که بعد از به بن بست رسیدن جنگ، مرحله تلاشهای سیاسی آغاز می شود. این مسأله نشان میدهد تا جبهه مشترک نظامی مشتمل بر تمام اقوام کشور به وجود نیاید، تا ممکن است که اعتماد سیاسی بین طرف های جنگ به وجود آید.»

محترم «آیین» در پاسخ به سوالی که آیا قضایا را از جنبه بد بینانه آن قضاوت نمی کنند. چنین گفت: «نطفه بدبینی را میتوان در عدم صداقت سیاسی طرفین جنگ مشاهده کرد. درست است که وضعیت زنده گی ما و

جشن میلاد دوازدهمین...

پرشکوه حضور بهم رسانیده بودند، نفس میکشید. مراسم با تلاوت آیاتی از کلام پاک آسمانی آغاز یافت. محترم استاد خلیلی، دبیر کل حزب وحدت اسلامی، ضمن تجلیل از مقام والای حضرت ولی عصر (ع) به نمایندگی از شورای مرکزی این حزب صمیمانه ترین تبریکات و شاد باش های خویش را بدین مناسبت به پیشگاه با عظمت مردم قهرمان و حاضر در صحنه، مان تقدیم نموده اظهار داشتند:

ظهور حضرت مهدی (عج)، انتظار عدالت اجتماعی و استقرار حاکمیت صالحان در زمین خداوند است. دبیر کل حزب وحدت اسلامی در قسمت دیگر سخنانش اوضاع سیاسی، نظامی کشور را مورد ارزیابی قرار داده و مردم را در جریان آخرین انکشافات روند سیاسی، نظامی کشور قرار دادند.

محترم استاد خلیلی، با تأکید بر جایگاه شایسته و عادلانه مردم ما در مذاکرات و توافق نامه های صلح و نتیجتاً ساختار سیاسی آینده کشور، علاوه نمودند که حزب وحدت خود را ملزم میدانند که از بروز جنگ در هزاره جات جلوگیری بعمل آرد. محترم استاد خلیلی در قسمت دیگری از سخنان خویش افزودند که مذاکره و جستجوی راه حل سیاسی، اصل اساسی را در سیاست های جاری حزب وحدت تشکیل میدهد. دبیر کل حزب وحدت با اشاره به بحران فعلی کشور فرمودند: حکومت ربانی با انحصار طلبی خویش عامل تمام جنگ ها و بدبختیها و گرفتاریهای امروزی در کشور است.

رهبر حزب وحدت اسلامی در رابطه به سفر هیئت های متعدد رژیم کابل به بامیان افزودند که آخرین هیئت آنها روز شنبه آمده و خواستار قطع جنگ و ادامه مذاکرات بودند. برای هیئت ابراز شد که ما به تکرار یاد آور شده و با عملکرد های خویش ثابت ساخته ایم که طرفدار جنگ نبوده و نیستیم و این شایسته گی که از هر فرصت ممکنه استفاده کرده جنگ را در هزاره جات مشتعل میسازید. حالا هم به شما مربوط است که با جنگ پیش بروید یا با مذاکره.

محترم استاد خلیلی، در رابطه با خابینت ملی که اکنون در کنار دولت نام نهاد مصروف تیز کردن شمشیر آنها بخاطر قطع کردن گردن جامعه هزاره است، گفتند: خابینتی که از مردم خود جدا شده اند، هر گز امکان ندارد که بدامن مردم برگردند حساب آنان از مردم ما جدا است. محترم استاد خلیلی در اخیر سخنانش ضمن تقدیر از ایشار، فدا کاری های نیروهای جبهه مقاومت مردمی حزب وحدت اسلامی، افزودند: من از تلاش ها و فدا کاری های شما قدر دانی و تشکر می کنم که جانانه از عزت و شرف مردم خود دفاع نموده و نیرو های دشمن را مجبور به رانده شدن ذلیلانه از بامیان نمودید. درود و رحمت خدا بر شما باد. محترم استاد خلیلی این روز را به روز اردوی حزب وحدت اسلامی مسمی نمودند. زیرا اردوی حزب وحدت اسلامی سربازان فرمان بردار امام زمان (عج) اند. و از این رو روز نیمه شعبان روز اردوی حزب وحدت اسلامی افغانستان است. بعد از سخنرانی دبیر کل حزب وحدت اسلامی قطعات اردوی حزب وحدت با رژه نظامی به افتخار این روز، قدرت و توانایی نظامی حزب وحدت اسلامی را به نمایش گذاشتند و از برابر جایگاه مخصوص مقام رهبری حزب با آدای احترام نظامی رژه رفتند. در اخیر این مراسم تقدیر نامه ها و کارت های ترفیع جنرالان، افسران و قوماندانان جبهه مقاومت مردمی حزب وحدت اسلامی از طرف مقام رهبر وحدت اسلامی به مستحقین آن توزیع گردید. (متن مکمل گزارش مراسم و سخنرانی استاد خلیلی در شماره های بعدی به نشر خواهد رسید) *

دسپین بولدک به سرحدی لیکه کی د هزاره مهاجرینو سره بد سلوکی

هزاره مهاجرینو سره د سرحدی ملیشو د بد سلوکی علت معلوم ندی.

هیله کیزی چی سرحدی مقامات ددغه بدسلوکی اصلی عوامل ولتوی.

* د بدسلوکی په وجه په هزاره مهاجرینو باندی د لاری کرایه او د مالونو تگس دو چنده شوی.

ناظرین ددغه بد چال چلند رینه سیاسی او مخینی بی د منطقوی شخړو نتیجه بولی. زمونږ هیله د سرحدی مقاماتو څخه دا ده چی ددغه بدسلوکی اصلی عوامل ولتوی، ترڅو د هغه عملونو مخنیوی وشي کوم چی د پاکستان د حکومت ښه نیت د افغانستان د ټولو ملیتونو په مقابل کښی خوږپړوی.

د هزاره وو سپرلیو د انتقال په وجه د موتر وانانو څخه د زیاتو پیسو غوښتنه کوی، او ددغه کار په سبب موتروانان هم د هزاره گانو څخه دوچنده کرایه اخلی. له بل پلوه سرحدی ملیشو هم د هزاره گانو له مالونو څخه دو چنده تگس اخلی. مخینی

د عینی شاهدانو په حواله، د پاکستان د سپین بولدک په سرحدی لیکه کی د پاکستانی ملیشو لخوا د هزاره مهاجرینو سره بد سلوک تر سره کیږی. او تر اوسه پوری د دغی بدسلوکی اصلی علت معلوم ندی. خبر زیاتوی چی سرحدی ملیشو

امداد دستگه رادیوی یک ملیون دالری به فاشیزم کابل:

جنگ کتمان شده، تبلیغاتی با مخالفین

* با نصب و فعال شدن این رادیو، بهترین زمینه تبلیغاتی برای فاشیزم کابل مساعد خواهد گردید.

* تقویت بخش تبلیغاتی رژیم انحصاری و غیر قانونی کابل، خلاف آرمان های برحق جبهات عدالت خواهی است.

آگاهان سیاسی، با نصب و فعال شدن این رادیو، بهترین زمینه تبلیغاتی برای فاشیزم کابل مساعد خواهد گردید. این عمل جمهوری اسلامی ایران برای تقویت بخش تبلیغاتی و فرهنگی رژیم انحصاری و غیر قانونی کابل، جنگ کتمان شده در برابر مخالفین بوده و خلاف آرمان های برحق جبهات عدالت خواهی در کشور می باشد. قابل تذکر است که تلاش های اخیر جمهوری اسلامی ایران برای بازکردن باب مذاکره میان مخالفین حاکمیت غیر قانونی کابل، تحت عنوان نیت خیر خواهانه برای مردم افغانستان به عمل آمد. حالانکه تقویت بخش تبلیغاتی «شورای نظار»، آنهم در بعد کمک قویترین دستگه رادیویی، همه اقدامات گذشته این کشور را تحت سوال قرار میدهد. همچون اقدامات، بدون احساس مسؤولیت سیاسی در برابر رژیم غیر قانونی کابل، ناممکن است؛ چون فعال ساختن بخش تبلیغاتی کابل به مشابه جنگ صریح تبلیغاتی در برابر مخالفین رژیم تلقی میگردد. *

به نقل از منابع مطبوعاتی جمهوری اسلامی ایران، اخیراً این کشور رادیوی به قدرت صد کیلووات را برای فاشیزم کابل امداد نموده است. به نظر

جلسه شورای مرکزی

خبر نگار ما می افزاید که «شورا» موضوعات طرح شده در جلسه را بصورت مفصل مورد ارزیابی قرار داده و بعد از بحث و تبادل نظر تصمیم مقتضی در مورد اتخاذ نمودند. در ادامه جلسه محترم عارفی عضو شورای مرکزی چگونه گی اجرائی مأموریت خویش را در منطقه شیخ علی طی گزارش مبسوطی تقدیم شورا نمود. در این جلسه، مراسم از تجلیل سالروز حضرت ولی عصر (عج) مورد ارزیابی قرار گرفته و نتیجه های بدست آمده، مثبت ارزیابی گردیده و اعضای کمیسیون برگزاری مراسم تجلیل از سالروز میلاد حضرت ولی عصر (عج)، مورد تقدیر قرار گرفتند.

مسأله تأمین امنیت راه های مواصلاتی به مرکز بامیان و ایجاد سهولت در رفت و آمد مردم موضوع دیگری بود که در آخر جلسه مورد بحث قرار گرفته و تصمیم مقتضی در مورد اتخاذ گردید. *